یادداشت روز

حرام‌زاده خودمانی

به لطف نظام ناموزون حاکم بر جهان در غم‌بارترین شـــرایط نیز همیشه چیزی برای خندیدن پیدا می‌شود. آخرین نمونه آن می‌تواند نامه پنج‌شنبه گذشته یکی از مدیران یونیسف در تقدیر از عربستان سعودی باشـــد. «هنریتا فور» مدیر اجرایی صندوق کودکان ملل متحد(یونیسف) در نامه‌ای به «مرکز امداد و اقدامات بشردوستانه ملک سلمان» نقش پادشاهی سعودی برای اقدامات بشردوستانه در حمایت از کودکان یمن را ستود! این تقدیر وقتی جالب‌تر می‌شـــود که بدانیم یونیسف دو سال پیش طی گزارشی درباره وضعیت کودکان یمن در جنگی که عربستان به این کشور تحمیل کرده نوشـــت: «در هر ده دقیقه یک کودک در یمن جان می‌دهد.» تنها در یک مورد آگوست ۲۰۱۸ اتوبوس دانش‌آموزان یمنی در ضحیان؛ هنگام بازگشـــت از گردش توسط جنگنده‌های سعودی بمباران شد و ۴۰ کودک زیر ۱۵ سال در این حمله وحشیانه به شهادت رسیدند. ۲۸ جون ۲۰۱۹ سازمان ملل در گزارش خود اعلام کرد: «در ۵ ســـال و نیم گذشته(از زمان حمله عربستان به یمن در سال ۲۰۱۳) بیش از ۷۵۰۰ کودک در یمن کشته یا معلول شـــده‌اند.» «ویرجینیا گامبا» نماینده ویژه سازمان ملل در امور کـــودکان در بحران، وضع را از این هم وخیم‌تر دانســـت و گفت: «آسیب کودکان در یمن از زمان این گزارش بدتر شده است.» با این حال صندوق کودکان ملل متحد(یونیسف) تصمیم گرفت چشمش را بر همه این جنایات ببندد و اقدامات بشردوستانه ملک سلمان را ستایش کند. این نهاد بین‌المللی با این کار یک‌بار دیگر نشان داد مهم نیست چه مقدار دستانتان در خون انسان‌های بی‌گناه فرو رفته باشد مهم این است که در مناسبات بین‌المللی کدام سمت ایستاده باشید؛ اگر در سمت آمریکا، متحدان و وابستگانش باشید کثیف‌ترین جنایات هم برای شما اقدامی بشردوستانه تلقی خواهد شد تا جایی که می‌توانید ریاست کمیته مشورتی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را هم برعهده بگیرید.

در جریان جنگ سوریه این اتفاق به شکل دیگری تکرار شد. از سال ۲۰۱۳ آمریکا بارها «بشار اسد» را به استفاده از تسلیحات شـــیمیایی متهم کرد؛ ادعایی که هر بار از طرف دولت سوریه رد می‌شد. آمریکایی‌ها حتی توانســـتند پای سازمان ملل را هم به میان بکشند. اگرچه شواهد موجود درباره استفاده ارتش سوریه و تروریست‌های مخالف دولت ســـوریه از این تسلیحات به یک اندازه برابر بود اما سازمان ملل متحد گزارش‌هایی در محکومیت استفاده بشار اسد از سلاح‌های شیمیایی منتشر کرد. البته آمریکا و به تبع آن سازمان ملل در موارد دیگر هرگز این اندازه بشردوست ظاهر نشدند! آنها در طول جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران نه تنها نگران اســـتفاده صدام حسین از سلاح‌های شیمیایی نبودند بلکه طبق اسناد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) که سال ۲۰۱۳ منتشـــر شد آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای شورای امنیت ســـازمان ملل مواد اولیه ساخت تسلیحات شیمیایی را در اختیار رژیم بعث عراق می‌گذاشـــت. آنها در تمام مدت جنگ از حملات شـــیمیایی صدام علیه ایران باخبر بودند اما برخلاف احســـاس مسئولیت‌شان درباره دولت ســـوریه، کوچک‌ترین تلاشی برای محکومیت صدام حسین و رژیم بعث عراق صورت نمی‌گرفت. ۲۶ آگوست ۲۰۱۳ وقتی «فارین پالیسی» از «ریک فرانکونا»(وابسته نظامی آمریکا در بغداد طی جنگ هشت‌ســـاله عراق علیه ایران) پرســـید عراق شما(آمریکا) را از حملات شیمیایی به ایران مطلع می‌کرد؛ فرانکونا پاســـخ داد: «عراقی‌ها هرگز به ما نگفتند که از گاز اعصاب استفاده می‌کنند؛ مجبور هم نبودند که بگویند چون ما خودمان می‌دانستیم.» آمریکا حتی از تصویب قطعنامه‌هایی که ایـــن حملات را محکوم می‌کردند نیز ممانعت کرد. در واقع صدام حسین تا وقتی همسو با منافع آمریکا پیش می‌رفت هرگز شامل دغدغه‌های حقوق‌بشـــری آمریکا و سازمان‌های بین‌المللی نشد چون یک مهره خودی به‌حساب می‌آمد.

این ماجرا در آمریکای لاتین به مراتب مضحک‌تر است. جایی که «لوئیس پوسادا کاریلس» پس از چندین بمب‌گذاری و عملیات تروریستی توانســـت در ایالات متحده مؤسسه‌ای بشردوستانه تأسیس کند! کاریلس یکی از عوامل اصلی بمب‌گذاری در هواپیمای مســـافربری کوبا در سال ۱۹۷۶ بود، حادثه‌ای که منجر به کشتار ۷۳ نفر شد. او همچنین به اعتراف خودش در مصاحبه با روزنامه نیویورک‌تایمز در انفجارهای زنجیره‌ای هتل‌های هاوانا که به مرگ یک ایتالیایی منجر شـــده بود دست داشته است. کاریلس مدتی نیز برای سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا(CIA) کار می‌کرد. همین ارتباط دوستانه‌اش با آمریکا سبب شد تا به این کشور پناهنده شود و در کمال تعجب بنیادی مدنی و انسان‌دوستانه به نام «بنیاد ملی کوبا – آمریکا» را پایه‌گذاری کرد. دولت ایالات متحده بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲، از طریق موقوفه ملی دموکراسی(NED) تأمین مالی بنیاد ملی کوبا – آمریکا را برعهده داشت. گروهی مخالف کاسترو که در حومه شهر میامی مســـتقر بودند. اینکه چطور می‌شود از تروریستی بدسابقه مثل کاریلس با کارنامه بمب‌گذاری‌های متعدد در اماکن غیرنظامی، چهره‌ای بشردوستانه ارائه داد را احتمالا فقط مقامات آمریکایی می‌توانند پاسخ دهند. اگرچه پاسخ این سؤال مثل همیشه تکراری است؛ کاریلس نیز مثل صدام حسین، ملک سلمان و بسیاری افراد دیگر در دایره دوستان آمریکا قرار داشت.

«افرایـــن ریوس مونت» دیکتاتور نظامـــی گواتمالا نیز یکی دیگر از این افراد بود. اکثر منابع در نقش او برای کشـــتار بیش از دویست هزار نفر از مردم گواتمالا هیچ تردیدی ندارند؛ اتفاقی که به نسل‌کشی گواتمالا معروف شد. سال ۱۹۹۶ کارگروهی با عنوان «شفاف‌سازی تاریخی» تحت نظر سازمان ملل برای تحقیق درباره این نسل‌کشی تاریخی تشکیل شـــد. گزارشی که این کارگروه پس از مدت‌ها تحقیق و بررســـی در سال ۱۹۹۹ منتشر کرد عمق فاجعه را نشان می‌داد: «ایالات متحده طی وحشیانه‌ترین درگیری مسلحانه در آمریکای مرکزی یعنی جنگ داخلی ۳۶ ساله گواتمالا، به نظامیان گواتمالایی که مرتکب «نسل‌کشی» مایاها شده بودند پول و آموزش داده است.» این کارگروه آموزش افسران گواتمالایی در فنون ضد شورش توسط ایالات متحده آمریکا را عاملی اساسی ذکر کرد که «در طول درگیری‌های مسلحانه، تأثیر قابل توجهی در نقض حقوق بشر داشته است.» با این حال نه تنها هیچ محکومیت بین‌المللی متوجه مقامات آمریکایی و دیکتاتور نظامی گواتمالا نشد بلکه «رونالد ریگان» رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در ستایش او گفت: «من می‌دانم که رئیس‌جمهور ریوس مونت مردی با شخصیتی کامل و متعهد است. می‌دانم او می‌خواهد کیفیت زندگی را برای همه گواتمالایی‌ها بهبود ببخشد و عدالت اجتماعی را ارتقا دهد. دولت من هر کاری که بتواند برای حمایت از تلاش‌های مترقی وی انجام خواهد داد.» مقامات آمریکایی درگیر این کشتار نیز هیچ وقت محاکمه نشـــده و حتی ارتقا پیدا کردند. «الیوت آبرامز» که اکنون به‌عنوان «مسئول پرونده ایران» از سوی کاخ سفید معرفی شده است آن روزها یکی از مقامات ارشد وزارت خارجه آمریکا بود که کاملاً از دیکتاتور نظامی گواتمالا و جوخه‌های ترور تحت امر او حمایت می‌کرد. «استفن مایلز» مدیر اجرایی گروه «پیروزی بدون جنگ» درباره سابقه ننگ‌آور آبرامز می‌گوید: «دوره کاری آبرامز در قبال الســـالوادور، گواتمالا، نیکاراگوئه و پاناما مملو از بدترین وسوسه‌هایی است که سیاست خارجی آمریکا به خود دیده است، یعنی جنگ‌طلبی، نقض گسترده حقوق بشر و حمایت از رژیم‌های خودکامه.» قطعنامه‌ها و تحریم‌های حقوق بشـــری سازمان‌های بین‌المللـــی هیچ وقت گریبان دیکتاتورهای مورد حمایت آمریکا را نگرفت چون همه آنها خودی تلقی می‌شدند.

قوانین بشردوستانه این سازمان‌ها برای غیرخودی‌ها نوشته شده بود؛ برای شخصیت‌ها و کشـــورهای مستقلی که حاضر به زندگی زیر سایه آمریکا نمی‌شدند. فرانکلین روزولت سی‌ودومین رئیس‌جمهور آمریکا جمله مشهوری درباره «آناستازیو ساموزا» دیکتاتور نیکاراگوئه که از قضا او هم مورد حمایت ایالات متحده بود، دارد: «او شاید حرام‌زاده باشد، اما حرام‌زاده خودمان است.»

سید محمدعماد اعرابی

رئیس‌قوه قضائیه:

دستگاه قضایی از خصوصی‌سازی ضابطه‌مند که موجب رونق اشتغال و تولید شود حمایت می‌کند

رئیس‌قـــوه قضائیـــه گفت: دستگاه قضایی از خصوصی‌سازی ضابطه‌مند که موجب رونق اشتغال و تولید شود حمایت می‌کند، اما اگر واگذاری‌ها در چارچوب مصالح مردم نباشـــد، برای همه زحمت آفرین خواهد بود.

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در جلسه صبح دیروز شورای عالی قوه قضائیه به ابطـــال قرارداد خصوصی‌ســـازی دشـــت مغان اردبیل پرداخت که در حاشیه ســـفر دو هفته پیش وی به این اســـتان صورت گرفت و با تقدیر از نهادهـــای نظارتی برای صیانت از بیت‌المال تأکید کرد: خصوصی‌سازی ضرورت امروز ماست که سیاست‌های آن از سوی رهبر معظم انقلاب ابلاغ و در برنامه‌های توسعه تکلیف شده است، اما خصوصی‌سازی باید با حفظ منافع ملی و حقوق مردم همراه باشد و بـــرای آن پیوســـت‌های اقتصادی و امنیتی طراحی شـــود تا منجر به افزایـــش تولید کالاهای اساســـی و استراتژیک برای کشور شود.

رئیســـی افزود: پس از واگذاری یک شـــرکت و واحد تولیدی دولتی به بخش خصوصی باید هم به موضوع نظارت توجه داشـــت و هم از کسی که آن را تصاحـــب می‌کند حمایت کرد و تسهیلات لازم برای اداره آن واحد تولیدی تخصیـــص یابد تا در مدیریت مجموعه مشـــکل و وقفه به وجود نیاید.

وی تأکید کرد: دستگاه قضایی از خصوصی‌سازی با رعایت ضوابط و قواعد آنکه موجب‌اشتغالزایی و رونق تولید می‌شود حمایت می‌کند، اما اگر واگذاری‌ها دارای یک روند درست و منطقی نباشد، هم برای مردم و هم برای قوه قضائیه زحمت آفرین است.

رئیس‌قـــوه قضائیـــه در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به سفر پنجشنبه گذشـــته خود به خراسان جنوبـــی و بازدیـــد از گذرگاه‌هـــای مـــرزی ایـــن اســـتان، از تلاش‌ها و نقـــش بازدارنده مرزبانـــان ارتش و نیروی انتظامی در مقابله بااشـــرار و تروریســـت‌ها و تأمین امنیت منطقه تقدیر کرد.

ظرفیت‌های اقتصادی فراوانی داریم که فعال‌سازی آنها نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد

رئیســـی اظهارداشت: در کشور ظرفیت‌هـــای اقتصـــادی فراوانـــی داریم که فعال ســـازی آنها نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد و بهره‌برداری از آنها، بســـیاری از مشکلات را کاهش می‌دهد و موجب رونق‌اشتغال و تولید و شکست توطئه‌های دشمن می‌شود.

وی بـــا انتقـــاد از مغفول ماندن برخـــی ظرفیت‌هـــا در همـــکاری اقتصـــادی ایران با همســـایگان، از گـــذرگاه مرزی «یـــزدان» به عنوان یکی از این ظرفیت‌ها و مرکزی برای تبادلات تجـــاری قانونمند کالا بین ایران و افغانستان یاد کرد که سال‌ها معطل مانده بود، اما در جریان سفر اخیر او ایـــن به نقطه مرزی باردیگر احیا شده است.

رئیس‌قوه قضائیه متذکر شـــد: وقتی سیاست کلان کشور ارتباط با همسایگان است، سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی انجام شـــده و بخش‌های اداری لازم از جمله گمرک هم حضور دارد، چرا ظرفیت تجاری مثل بازارچه مرزی یزدان در مرز افغانستان، باید سال‌ها معطل بماند؟

دستور برای شناسایی و فعال‌کردن ظرفیت‌های عظیم اقتصادی و تجاری استان‌ها

رئیســـی بـــر همین اســـاس به همکاران دســـتگاه قضا در سراســـر کشـــور دســـتور داد کـــه منابـــع و ظرفیت‌های عظیم اقتصادی و تجاری اســـتان‌های مختلـــف را با همکاری مسئولان اجرایی و فعالان اقتصادی شناسایی و به ســـرعت وارد چرخه تولید کنند.

تأکید دادستان کل بر همکاری دولت برای اجرای حکم کشت و صنعت مغان

دادســـتان کل کشور نیز در این جلســـه با اشـــاره به ابطال قرارداد واگـــذاری دشـــت مغان بـــه بخش خصوصی و برخـــی تحرکات پس از آن اظهار داشـــت: کشـــت و صنعت مغان شـــرکتی بزرگ اســـت که با توجه به زمان‌بر بودن فرایند انتقال مالکیت این مجموعـــه، انبارهایش پلمب و قرار شد کار تبادل کالاها و اموال زیر نظر نهادهای نظارتی انجام شود.

حجت‌الاســـلام منتظری از وزیر دادگستری خواســـت که به عناصر اجرایـــی تذکر دهد حتـــی اگر این موضوع را قبول ندارند، به قانون احترام بگذارند و برای اجرای حکم همکاری کننـــد تا هم از حقـــوق بیت‌المال و هم از حقوق سرمایه‌گذاران صیانت شود.

سخنگوی کمیسیون اصل نود:

اعضای ستاد انتخاباتی روحانی در زیرمجموعه‌های شستا بکارگیری شده‌اند

سخنگوی کمیســـیون اصل نود مجلـــس از به‌کارگیری اعضای ستاد انتخاباتی حسن روحانی در هیئت‌مدیره‌شرکت‌های‌زیرمجموعه شستا خبر داد.

علی خضریان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی درخصوص به‌کارگیـــری اعضای ســـتاد انتخاباتی رئیس‌جمهور در هیئت‌مدیره شرکت‌های زیرمجموعه شستا، گفت: در حالی که کشور در شـــرایط اقتصادی سختی به سر می‌برد؛ در ایامی‌که بیماری کرونا به بســـیاری از شغل‌ها آسیب وارد کرده و باعث تعطیلی مشـــاغل و بیکاری افراد زیادی شـــده اســـت، مدارکی به دست بنده رسیده که نشان می‌دهد شماری از اعضای ســـتاد انتخاباتی آقای حسن روحانی با دســـتور معاون وزیر تعاون، کار و رفـــاه اجتماعی در شـــرکت‌های زیر مجموعه شـــستا به کار گیری شـــده‌اند، این در حالی است که آمارها نشـــان می‌دهد حـــدود ۳۰ درصـــد از جوانـــان کشـــور بیـــکار هســـتند که بســـیاری از این جوانان تحصیلکرده و متخصص، می‌توانســـتند واجد شرایط جذب در برخی شرکت‌های دولتی باشند.

به گزارش فارس، عضو هیئت‌رئیسه کمیســـیون اصل نود قانون اساسی در ادامه گفت: با توجه به اینکه به‌کارگیری افراد در مشـــاغل تخصصی و مدیریتی، نیازمند داشتن تخصص، تجربه و سوابق شـــغلی موثر و مرتبط می‌باشـــد سؤال بنده از وزیر محتـــرم تعاون، کار و رفاه اجتماعی این اســـت که اعضای کمیته جوانان و دانشجویان ستادهای انتخاباتی جناب آقای روحانی با کدام سابقه موثر شـــغلی، برای جذب در مشاغل کلیدی و هیئت‌مدیره بزرگ‌تریـــن و مهم‌ترین هلدینگ‌ها و شـــرکت‌های اقتصادی و تولیدی کشور (زیرمجموعه‌های شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی) معرفی شده‌اند؟ آقای شریعتمداری که مدعی شـــفافیت در وزارتخانه تحت امرشان و به‌خصوص شرکت‌های شستا هستند آیا حاضر به شفاف‌سازی درخصوص جذب بدون ضابطه این افراد نیز هســـتند؟ آیا چنین امکانی برای سایر جوانان کشور هم فراهم می‌باشـــد؟ آیـــا این مصداق اتمّ بی‌عدالتی و تخلف آشکار مدیریتی نیست؟

این نماینده مجلـــس افزود: آقای شریعتمداری به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ که متولی اشـــتغال در کشور است چه پاسخی به خیل جوانان بیکار در کشور خواهد داشت و این اقدام خود را چگونه توجیه می‌کند؟ در چنین شرایطی که مســـائل اقتصادی اولویت اول کشـــور است و اقشار مختلف مردم با مشـــکلات عدیده معیشتی و بیکاری دســـت و پنجه نرم می‌کنند و هر روز هم این فشـــار در حال افزایش است و مردم زیر فشـــار اقتصـــادی در حال له شدن هستند، با پشتوانه کدام تصمیم کارشناسی شـــده در سال پایانی دولت اقدام بـــه معرفی جوانان عضو ســـتاد انتخاباتی آقای روحانی جهت عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های بزرگ اقتصادی کرده‌اید؟ به اســـتناد لیست‌ها و مدارک موجود این افراد با امضای جناب محمد کبیری معاون وزیر تعـــاون، کار و رفاه اجتماعی به شســـتا معرفی شـــده‌اند، درخواست بنده از وزیر محترم این است که درخصوص به‌کارگیری این افراد در چنین پســـت‌های مهمی شفاف‌سازی صورت گیرد.

خبر ویژه

وقتی گروهک ورشکسته ادای مصلحت‌شناسی درمی‌آورد

عضو گروهک ملی - مذهبی می‌گوید: مصلحت در مذاکره با آمریکاست!

«احمد - ز» نوشـــته است: پرسشم از سران جمهوری اسلامی این است که اگر به فرض - حالا از نگاه آنان فرض محال - حفظ و بقای نظام در مذاکره و توافق با آمریکا «متعین» شود، آیا آنان تن به مذاکره و توافق خواهند داد؟

طبعا برخی از آنان خواهند گفت؛ از آنجا که «استکبارستیزی» هویت نظام جمهوری اسلامی است و هرگونه سازش با «راس استکبار» این هویت را نابود می‌کند، بنابراین، چنین کاری نقض غرض و به عبارتی انتحار سیاسی و نوعی براندازی به دست خویش است که هرگز نباید به آن نزدیک شد حتی اگر بقای فیزیکی نظام به خطر افتد!

این پاسخ البته در جای خودش قابل تامل است، اما اشکالش این است که با نظریات و آموزه‌های آیت‌الله خمینی سازگار نیست! از نگاه آیت‌الله خمینی، هویت و بلکه فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی، اجرای احکام و قوانین شریعت اسلامی است، اما او بر این اعتقاد بود که برای حفظ نظام می‌توان اجرای احکام شرعی حتی نماز و روزه و حج را هم تعطیل کرد! حال وقتی که برای حفظ نظام بتوان واجبات قطعی و مسلمی در حد نماز را که از آن به عنوان «ســـتون دین» یاد شده است، تعطیل کرد، چگونه به همین منظور، از «استکبارستیزی» که در هیچ رساله و کتاب فقهی از وجوب مسلم آن سخنی نرفته است، نمی‌توان دست شست؟

همین پرسش را اما به شکل و صورتی دیگر، می‌توان در برابر اپوزیسیون اصطلاحا برانداز گذاشت و از آنان پرسید؛ اگر به فرض - حالا از نگاه آنان فرض محال - جمهوری اسلامی با آمریکا وارد مذاکره شود و با آن به توافق رسد، فردای آن روز از این اپوزیسیون چه چیز مشخصی باقی می‌ماند؟».

فارغ از این که نویسنده خود از جماعت براندازِ ورشکسته است و خواسته ردگم‌کنی کند، به نظر می‌رسد پاسخ نغز حضرت امام(ره) به کارتر، احتمالا برای این عنصر غربگرا ناباور به جمهوری اســـلامی هم مصداق پیدا کند. سال ۶۰ جیمی کارتر رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شده بود که اقدامات جمهوری اسلامی در تضاد با دین اسلام و خلاف مصالح است. امام(ره) در پاسخی لطیف اما کوبنده فرمودند: «من فکر می‌کردم که اسلام‌شناسی [چیست.] قبلا یک مقاله‌ای کسی می‌نوشت، می‌شد اسلام‌شناس؛ چند تا مقاله در روزنامه، در یک جا می‌نوشت، می‌شد اسلام‌شناس؛ گاهی یک کسی یک تاریخی می‌نوشت، می‌شد اسلام‌شناس، بعد کتاب‌سوزی هم می‌کرد؛ مثل (احمد) کسروی، بلکه دعوی نبوت هم می‌کرد. اسلام‌شناسی تقریبا رو به تورم است. خوب، صدام هم اسلام‌شناس شده است! آقای (انور) سادات هم جزو اسلام‌شناس‌هاست که تشخیص می‌دهد که فلان امر موافق اسلام است، موافق اسلام نیست! اخیرا آقای کارتر هم جزو اسلام‌شناس‌هاست! در یک جلسه‌ای که مسافرت کرده است، گفته است این کارهایی که در ایران، فلان می‌کند این موافق اسلام نیست! خوب معلوم شد که ما اسلام‌شناس داریم که به ابعاد اسلام‌شناسی اضافه می‌شـــود! فردا (مناخیم) بگین هم اسلام‌شناس می‌شود و یا شده است این! هی می‌گویند: موافق اسلام نیست».

عضو گروهک ورشکسته در حالی مصلحت کشور و نظام را به مذاکره با آمریکا گره می‌زند که وی و طیف غربگرای متبوع باید حســـاب دروغ‌های قبلی درباره برجام را با مردم صاف کنند و توضیح دهند که اگر قصد خیانت به ملت نداشتند یا در بی‌سوادی و سفاهت محض نبودند، چرا مدعی شدند مشکلات کشور به واسطه مذاکره و توافق با آمریکا و دادن برخی امتیازات هسته‌ای برطرف می‌شود؟

اتفاقاً خدعه و خباثت و عهدشـــکنی دولت‌های اوباما و ترامپ در برجام نشان داد سیاست بی‌اعتمادی به شیطان بزرگ، منطق استواری داشته است. حالا هم امثال این آقای گروهکی نمی‌توانند پرسشگر باشند بلکه باید پاسخ دهند که چرا توافق بزک شده آنها، هم ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای را تعطیل کرد و هم اقتصاد کشور را دچار نابسامانی نمود.

آرمان: تنها به شرط لغو تحریم‌ها باید به FATF پیوست

یک کارشناس اقتصادی با رد ارتباط نوسانات قیمت ارز به FATF گفت: همکاری بیشتر با FATF موجب تشدید تحریم‌ها می‌شود.

جمشـــید عدالتیان به روزنامه اصلاح‌طلب آرمان گفته است: FATF بی‌فایده است، با پیوستن به این معاهده باید شفاف عمل کنیم در حالی که ما نمی‌توانیم شفاف عمل کنیم، برای اینکه نمی‌توانیم برای جابه‌جایی ارز مسیرهای مشخصی را تعیین کنیم. وقتی تمامی مسیرهای مبادلات ارزی کشور بسته و تحریم شده‌ایم پیوستن ما به FATF چه مزیتی دارد؟ جز اینکه جلوی کار صرافی‌هایی هم که ارز جابه‌جا می‌کنند گرفته خواهد شد.

وی افزود: دولت موافق پیوستن است، اما از طرف دیگر واقعیت این است که در شرایط تحریم هستیم و نمی‌توانیم شفاف عمل کنیم، این مسئله‌ای است که باید هزینه فایده آن مشـــخص شود و به نظرم مقامات این کار را انجام دادند. وقتی بانک‌های خارجی با ما کار نمی‌کنند و بانک‌های ما هم تحریم هستند پیوستن ایران به FATF چه کمکی می‌تواند به اقتصاد ما کند؟ تنها در صورتی که ایران باید به FATF بپیوندد که تحریم‌ها برداشته شوند.

عدالتیان خاطرنشان کرد: مشکل ما در واقع ارز نیست بلکه وابستگی اقتصاد به ارز است و چون تدبیر دیگری نداریم نرخ ارز در تورم اثرگذار می‌شود. زمانی که ریگان رئیس‌جمهور آمریکا بود ارزش مارک(واحد پول آلمان) آلمان در مقابل دلار ۱۰۰ درصد کاهش یافت. یعنی یک دلار ۱/۱ مارک بود که بعد به ۳/۴ رسید یعنی حدود ۱۰۰ درصد ولی هیچ نوع آثار تورمی که در اقتصاد آلمان نداشت هیچ، باعث افزایش صادرات آلمان به آمریکا و سایر کشورها شد چراکه اجناس آلمانی ارزان شده بود. کشوری که از نظر اقتصادی و تولید وابستگی کمتری دارد و می‌تواند کالای جانشینی داشته باشد، در اقتصادی که متغیرهایش درست عمل می‌کنند، چنین کاهشی باید باعث دو برابر شدن صادرات شود ولی می‌بینیم که صادرات غیرنفتی در کشـــور ما کاهش هم یافته است و این اتفاقات هیچ‌کدام از معادلات اقتصادی را دربر نمی‌گیرد.

به جای بدهکار کردن دولت آینده انضباط مالی پیشه کنید

دولت و ســـازمان برنامه و بودجه باید پیش از آنکه دنبال «انبســـاط مالی» باشند، «انضباط مالی» را پیگیری کنند.

روزنامه وطن امروز در یادداشتی نوشت: محمدباقر نوبخت طراح بودجه‌های دولت روحانی، راهبرد اصلی بودجه ســـال ۱۴۰۰ را در گزاره «انقباض پولی و انبساط مالی» تبیین کرده اســـت. بخش اول این راهبرد برای شرایط کنونی اقتصاد ایران که با سیل نقدینگی ۲۶۰۰ هزار میلیارد تومانی دســـت و پنجه نرم می‌کند، بســـیار حیاتی است. دولت اگر بتواند به این هدف نائل آید، می‌تواند از بار تورمی بازارهای دارایی مانند طلا، سکه، خودرو و مسکن تا حدودی جلوگیری کند. سناریوهای بسیاری در رابطه با اجرای سیاســـت انقباض پولی مطرح است که به نظر می‌رسد جدی‌ترین و محتمل‌ترین آنها افزایش نرخ بهره بانکی در سال آینده باشد. بیشترین افزایش نرخ بهره هم در سپرده‌های غیردیداری یا بلندمدت اتفاق خواهد افتاد تا از این طریق دولت بتواند به هدف فریز پولی دست پیدا کند، البته همین سیاست اگر منجر به انتقال نقدینگی به سمت تولید نشود و بانک‌ها اقدام به بنگاهداری کنند، صرفا انتقال بحران از شرایط کنونی به آینده است.

اما نکته قابل توجه‌تر راهبرد بودجه سال آتی بحث انبساط مالی است. آن‌طور که پیداست دولتی‌ها می‌خواهند در سال آینده برای خروج رکود اقدام به افزایش هزینه‌ها کنند. اگر بخواهیم راحت‌تر سخن بگوییم، دولت می‌خواهد سال ۱۴۰۰ ولخرجی کند و از این طریق تقاضا را در کشـــور افزایش دهد. این سیاســـت می‌تواند در قالب شروع ابرپروژه‌های عمرانی، افزایش یارانه‌های نقدی، افزایش حقوق و اقداماتی از این دســـت محقق شـــود. نکته قابل توجه در این رابطه محل تامین اعتبار اجرای چنین راهبردی است. دولت سال جاری بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشت و به نظر می‌رسد این کسری بودجه سال آینده با توجه به افزایش تبعات اقتصادی کرونا به صورت فزاینده‌ای افزایش یابد، با این تفاوت که در سال جاری دولت برای فرار از کسری بودجه از ظرفیت اوراق بدهی استفاده کرد اما سال آتی این ظرفیت آن‌طور که سال ۹۹ از آن بهره‌گیری شد قابل استفاده نیست. از یک سمت خریداران اوراق در شرایط اشباع قرار دارند و از سوی دیگر مردم هم به‌دلیل نوسانات بی‌دریی بازار سرمایه به نظر می‌رسد به سمت خرید سهام‌های دولتی نخواهند رفت کما اینکه این ریزش خرید توسط مردم در خرید دارادوم مشهود است. اما این‌طور که پیداست محمدباقر نوبخت فکر این موضوع را کرده و در اظهارات اخیر خود تاکید ویژه‌ای بر فروش اوراق سلف نفتی داشته است.

این یعنی دولتی‌ها می‌خواهند چاله‌های بودجه‌ای خود را در سال آینده از این طریق پر کنند. این اقدام ضمن مقروض کردن دولت آتی می‌تواند تبعات بسیاری در اقتصاد کشـــور داشته باشد. از بدترین آسیب‌های این اتفاق به رسمیت شناختن گزاره کسری بودجه و حرکت نکردن به سمت راهبردی مناسب در این زمینه است.

به نظر می‌رسد اگر در شرایط کنونی دولت به جای انبساط مالی به سمت انضباط مالی حرکت کند بسیار مناسب‌تر است.

انضبـــاط مالی از طریق کاهش هزینه‌ها و هدفمند کردن هزینه‌های دولت حاصل می‌شود، از سوی دیگر دولت می‌تواند در فرصت باقی‌مانده در تنظیم بودجه ۱۴۰۰ یک بار برای همیشه به سمت اصلاح ساختار مالیاتی کشور حرکت کرده و بودجه‌ریزی خود را منوط به دریافت مالیات از دهک‌های ثروتمند کند.

ترکان: فریبکاری است که حامیان دولت بگویند با دولت نبودیم

دبیر پیشـــین شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری و مشاور رئیس جمهور درباره فاصله‌گذاری اصلاح‌طلبان با دولت در آســـتانه انتخابات تاکید کرد؛ «اگر کسی از روی زرنگی این کار را می‌کند و می‌خواهد بگوید کی بود کی بود من نبودم، اســـم این کار فریبکاری است، ما طرفدار دولت روحانی بودیم و از او طرفداری کردیم.»

اکبر ترکان در گفت‌وگو با روزنامه فرهیختگان اظهار داشت: مدیریت نظام ارزی در دوره‌ای که ارز ۴۲۰۰تومانی را توزیع کردند، تاریک‌ترین نقطه دولت روحانی است چراکه ارز ارزان فروختن، خیانت به تولید داخلی است.

وی افزود: سؤال ما این است که اگر با این نرخ جنس وارد کردند آن را چند فروختند؟ اینها همان رانت‌هایی است که ثروت‌های بادآورده را می‌آورد. اگر فکر کنیم که یک نفر در آلمان ثروتمند است و احترام دارد، علت احترام به او این است که همه مردم می‌فهمند ثروت این فرد محصول کار و کوشـــش و صنعت و فناوری اســـت و کسی فکر نمی‌کند بلیت این فرد برده و ثروتمند شده است، ولی در کشور ما اگر کسی ثروتمند شد، مردم نمی‌گویند او بابت لیاقتش ثروتمند شده، می‌گویند حتما کلاه کسی یا جایی را برداشته و حتما دولتی خریده و آزاد فروخته است و می‌گویند این جزو درآمد سالم نیست.

وی در پاسخ این سؤال که «برخی اصلاح‌طلبان با دولت روحانی فاصله‌گذاری می‌کنند و نمی‌خواهند هزینه حمایت از او را بپردازند، به‌نظر شما مردم چقدر این دور شدن را در آستانه انتخابات می‌پذیرند و واقعی می‌دانند؟» گفت: اگر کسی از روی زرنگی این کار را می‌کند و می‌خواهد بگوید کی بود کی بود من نبودم، اسم این کار فریبکاری است، ما طرفدار دولت روحانی بودیم و طرفداری کردیم و فکر می‌کنیم که مزایای بسیار بالایی نسبت به دولت احمدی‌نژاد داشته و دارد، اشکالاتش را هم باید سر جای خودش برای اصلاح آن بگوییم.

عارف: توهین شنیدم تحت فشار چپ‌های اصلاح‌طلب بودم

رئیس فراکسیون امید مجلس دهم گفت: من رسالت خود را به قدرت رسیدن شخص خود نمی‌دانم بلکه رسالت خود را حرکت در قالب سازمان، نظام و سیستم می‌دانم و بابت آن هزینه هم داده‌ام که همین توهین‌هایی است که به من می‌شود.

محمدرضا عارف در ویدئویی، با اشاره به تقسیم کار فراکسیون امید در مجلس دهم، اظهار کرد: راهبرد ما در مجلس دهم به نتیجه رسیدن مسائل بود. در مسایل حساس و مسائل سیاسی و امنیتی راهبرد ما این بود که اگر امضای اول و دوم متعلق به فراکسیون امید است، امضای سوم برای اصولگرایان باشد زیرا ما دنبال نتیجه بودیم.

وی ادامه داد: من می‌توانستم از جایگاه خود به‌عنوان رأی اول تهران بهترین استفاده را کرده و اقدامات خوب فراکسیون امید را به نام خودم تمام کنم. از هرکدام از اعضای فراکسیون اگر می‌خواستم وقت خود را در مجلس به من بدهند، دریغ نمی‌کردند اما این کار اخلاقی نبود و مبنای کار من اخلاق است و نمی‌خواهم از جایگاه خود سوءاستفاده کنم. من رســـالت خود را به قدرت رسیدن شخص خود نمی‌دانم و بابت آن هزینه هم داده‌ام که همین توهین‌هایی است که به من می‌شود.

عارف با بیان این‌که مجلس دهم «آرامش آگاهانه» داشـــت، خاطرنشان کرد: بعد از پیروزی در مجلس دهم، جناح چپ اصلاح‌طلبان فشـــار زیادی وارد کردند و کسانی روبه‌روی ما قرار گرفتند که اصلاح‌طلب بوده و ما آنها را قبول داشتیم.

رئیس مستعفی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان همچنین با اشاره به رویکرد جریان ســـوم در مجلس دهم، گفت: این جریان می‌خواســـت با هر دو طرف کار کند و پیروزی روحانی را به نام خود بنویسد. آنها دنبال اصلاح‌طلب و اصولگرای میانه بودند. من به آنها گفتم شما کجای کار بوده‌اید؟در انتخابات۹۶ آنها به التماس ما افتادند اما بعد از پیروزی روحانی، کاملاً روی خود را چرخاندند.

وی با بیان این‌که دستاوردهای مجلس دهم هنوز ارزیابی نشده، گفت: حضور اعضای فراکسیون امید در کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با حضور در شورای نظارت بر مطبوعات بخشی از دستاوردهای اصلاح‌طلبان است.

اشتباه کردیم که گفتیم ما اصلاح‌طلبان تضمین وعده‌های روحانی هستیم

سخنگوی ستاد انتخاباتی عارف در سال ۹۲، حسن روحان